



## آثار و پیامدهای اسراف و تبذیر از منظر قرآن کریم

علی رضوانی\*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱/۱۷

تاریخ تأیید مقاله: ۹۰/۲/۲۹

### چکیده:

در عصر کنونی توجه به مسئله اسراف و صرفه‌جویی برای برنامه‌ریزان آنقدر جدی شده است که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی ایران سالی را به این نام اختصاص داده بودند، حال با توجه به فرهنگ اسلامی حاکم بر جامعه ما - که تمام دستوراتش برگرفته شده از آیات قرآنی است - ضروری به نظر می‌رسد که این مهم از منظر قرآن و روایات اسلامی مورد توجه قرار گیرد، چون اثرگذاری آن بر توسعه جامعه از زوایای مختلف (سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی...) دارای اهمیت است. هرگاه آثار اسراف در نفس آدمی تأثیر کند و بر آن مستولی شود و او را از مسیر معتدل صحیح گمراه می‌سازد، بنابراین بررسی آثار و پیامدهای اسراف از منظر قرآن می‌تواند برای برنامه‌ریزان و سیاستمداران اسلامی در تدوین خط‌مشی برنامه‌های آینده و رشد و اعتلای کشور و دستیابی به شیوه‌های صحیح مؤثر واقع شود. در این راستا نویسنده مقاله با تعمق در آیات قرآن کریم و روایات ارزنده معصومین (ع) ضمن تبیین مفهوم اسراف و تبذیر، به بررسی آثار و پیامدهای اسراف پرداخته است تا به این وسیله ضمن افزایش آگاهی خواننده مقاله و پرهیز از آن به رشد و بالندگی جامعه کمک شایانی کند.

**واژگان کلیدی:** اسراف، تبذیر، آثار، پیامدها.

## مقدمه

## مفهوم اسراف

صاحب کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن» اصل واحد در این ماده را عملی می‌داند که از حدی که در آن لحاظ شده است، خواه عقلی یا عرفی تجاوز نماید، همچنان که در خوردن زائد از حد است و انفاق خارج از معروف چنین است و ملاک زائد از شئون و مقام آن می‌باشد (مصطفوی، ۱۳۷۴) اسراف به معنای تجاوز کردن از حدودی که عقلاً یا شرعاً و یا عرفاً معین است، و این تجاوز علامت آزادی و بی‌اعتنایی به حدود و مقررات عقل و شرع می‌باشد، اعم است از اینکه در موضوع‌های خارجی باشد، مانند تهیه اسباب و وسایل بیش از اندازه عادلانه و یا در احکام و امور دینی صورت بگیرد و یا در امور خیر و اعمال مطلوب باشد - چون انفاق و احسان - پس از خارج شدن از مقررات عقلی و شرعی، اسراف خواهد بود (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۷۳) خلاصه اینکه اسراف به هر نوع تجاوزی گفته می‌شود که از حدود و ضوابطی که تعیین شده، خارج شده باشد.

## مفهوم تبذیر

تبذیر به معنای تفریق و اصل آن بذر پاشیدن است، بعداً به‌طور استعاره به آنکه مال خویش را ضایع می‌کند مَبذَر گفتند: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ / اسراء : ۲۷» - اسرافکاران برادران شیطانند. «وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا / اسراء : ۲۶» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶) التبذیر، یعنی تفریق و بخش کردن چیزی، اصلش از ریختن و پاشیدن بذر است که به‌طور استعاره، درباره کسی که مال خود را بیهوده بخشش و توزیع می‌کند به‌کار رفته است. تبذیر «البذر» به صورت ظاهر از نظر کسی که از پایان آن بذرپاشی بی‌اطلاع است، ضایع شدن و دور ریختن بذر به‌نظر می‌آید؛ اما این کار تبذیر به معنای هدر دادن نیست و آیه «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ / اسراء : ۲۷» که در این آیه ضایع کردن هر چیزی، بیهودگی و بدون در نظر گرفتن نتیجه آن، پیروی از شیطان و برادری شیطان است (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۸: ۳۰۰).

## رابطه بین اسراف و تبذیر

بین واژه اسراف به معنای اقتصادی آن با واژه تبذیر تفاوت زیادی وجود ندارد و رابطه بین آن دو عموم و خصوص مطلق

براساس آیات و روایات اسلامی هدف توسعه در اسلام، رسیدن به ارزش‌های متعالی انسان می‌باشد و رشد انسان هدف فعالیت‌های مادی قرار گرفته است؛ به عبارت دیگر اسلام یک مکتب مادی یا معنوی صرف نیست، بلکه مکتبی مادی و معنوی است که مادیت را در پناه معنویت قبول دارد. توسعه از منظر اسلام همان رسیدن به ارزش‌ها و اهداف متعالی تعیین شده از طرف خداوند متعال برای انسان است که از طریق رفع نیازهای مادی و معنوی انسان و جامعه امکان پذیر می‌باشد که رمز رسیدن به این مهم حرکت در مسیر اعتدال است و پیشرفت و توسعه مرهون مبارزه با اسراف، حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف و جلوگیری از ولخرجی‌ها و تضییع اموال جامعه می‌باشد و این رفتار، وابسته به زمان و فرهنگ خاصی نیست؛ بلکه در تمام فرهنگ‌ها و ادیان و ملل وجود داشته است و سخنان رهبر معظم انقلاب در نوروز ۱۳۸۸ خود حاکی از اهمیت توجه به این امر در عصر کنونی می‌باشد، ایشان می‌فرمایند: «لازم است به‌عنوان یک سیاست، مسئله صرفه‌جویی را در خطوط اساسی برنامه‌ریزی‌هایمان در سطوح مختلف اعمال کنیم».

همچنین اضافه کردند که: «صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست، بلکه به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال و مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است» و از همه مهم‌تر اینکه ایشان معتقدند: «مسئله صرفه‌جویی و اجتناب از اسراف، فقط یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه هم اقتصادی است، هم اجتماعی است، هم فرهنگی است و آینده کشور را تهدید می‌کند».

به نظر می‌رسد بهترین راه نهادینه کردن فرهنگ الگوی مصرف در ایران استفاده از معرفی مفاهیم نورانی قرآن و کاربردی کردن آن در کشور می‌باشد، در این راستا نویسنده مقاله به دنبال آن است که با تعمق در آیات قرآن و روایات ارزنده معصومین (ع) به تبیین مفاهیم اسراف و تبذیر بپردازد و با توجه به اینکه اسراف هم برای شخص مسرف و هم برای جامعه‌اش، از جنبه‌های مختلف اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی و غیره مضر و زیانبار است، آثار و پیامدهای آن را دقیقاً تبیین نماید.

است یعنی هر تبذیری اسراف است؛ ولی هر اسرافی تبذیر نیست. در تمایز بین این دو واژه باید گفته شود که با توجه به خصوصیات تعبیر لغت‌شناسان در معنا تبذیر، مقصود از این واژه تلف کردن و ضایع نمودن مال است و زیادروی در انفاقات شخصی و امور خیریه نمی‌شود، در حالی که اسراف فراگیرتر از آن و در برگرنده همه موارد از به هدر دادن و زیادروی در مصارف شخصی، خانوادگی و انفاق‌های مستحب می‌باشد.

### آثار و پیامدهای اسراف

هر عملی که در اسلام مورد نکوهش و تحریم واقع شده است براساس مفسده و ضرری است که برای فرد یا اجتماع دارد. اسراف نیز به عنوان یک آفت بزرگ اجتماعی از جهات مختلف می‌تواند بر اوضاع و احوال فرد، اجتماع و یا روابط مختلف انسان با پدیده‌ها تأثیر منفی داشته باشد. زیان‌های اسراف را می‌توانیم از جنبه‌های مختلف فردی و اجتماعی یا دنیوی و اخروی تقسیم کنیم. محقق در این قسمت به دنبال برشمردن آثار و پیامدهای مخرب این پدیده با استناد به آیات کریمه قرآن و روایات پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) است که عبارتند از:

#### ۱. محرومیت انسان از محبت خداوند

اسراف‌کار چون در راه افراط قرار گرفته از یاد خدا غافل شده و فقط به خود و امور مربوط به خود مشغول شده و کم کم از رحمت و واسعه الهی محروم شده و گرفتار خشم و غضب الهی می‌شود. قرآن کریم اسراف در امور اقتصادی را عامل محرومیت انسان از محبت خداوند می‌داند آنجا که می‌فرماید:

الف) «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَ النَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالزَّمَانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ - / انعام: ۱۴۱»

در این آیه سه دستور مهم هست: ۱. بیان مباح بودن محصولات، ۲. حقی که در مال و محصول هست باید در وقت برداشت محصول داده شود، ۳. باید در آنها اسراف نشود.

وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ: «از حد خود در صرف مال تجاوز نکنید که خدا مردم مسرف را دوست نمی‌دارد. در این باره اقوالی است: ۱. خطاب به صاحبان مال است. یعنی همه

مال را صدقه ندهید، بلکه برای خانواده هم چیزی باقی بگذارید. چنان‌که ثابت بن قیس بن شماس ثمر پنجاه نخل را برداشت و همه را صدقه داد. این قول از ابوالعالیه و ابن جریج است. ۲. سعید بن مسیب گوید: یعنی از ادای واجب کوتاهی نکنید. ۳. ابومسلم گوید: یعنی پیش از چیدن، در خوردن زیاده‌روی نکنید و به فقرا ضرر نزنید. ۴. یعنی مال را در راه معصیت و بیجا خرج نکنید. ۵. خطاب به پیشوایان است. یعنی به صاحبان مال اجحاف نکنید و از آنها زیادی نگیرید. این قول از ابن زید است. ۶. این خطاب به عموم است، تا کسی در صرف مال زیاده‌روی نکند و زمامدار و حاکم در گرفتن مال مردم و صرف آن زیاده‌روی و ولخرجی نکند. این قول از لحاظ فایده، عمومی‌تر است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۵۰۱).

و لا تسرفوا «معنایش این است که در استفاده از این میوه‌ها و غلات از آن حدی که برای معاش شما صالح و مفید است تجاوز نکنید، درست است که شما صاحب آن هستید، ولی نمی‌توانید در خوردن آن و بذل و بخشش از آن زیاده‌روی کنید، و یا در غیر آن مصرفی که خدا معین نموده به کار بزنید مثلاً در راه معصیت خدا صرف نمایند و همچنین فقیری که از شما می‌گیرد نمی‌تواند در آن اسراف نموده، مثلاً آن را تزییع کند. پس آیه مطلق و خطاب آن شامل جمیع مردم است چه مالک و چه فقیر و اینکه بعضی گفته‌اند: خطاب آیه مختص به مالک آن اموال است و همچنین اینکه بعضی دیگر گفته‌اند: خطاب تنها متوجه زمامداری است که صدقات را از صاحبان این اموال می‌گیرد و همچنین اینکه بعضی گفته‌اند: معنایش این است که میوه‌ها را قبل از چیدن مخورید تا در نتیجه حق فقرا را کم کنید و نیز اینکه عده‌ای دیگر گفته‌اند: معنای آیه این است که از دادن مقدار واجب کوتاهی نکنید و یا گفته‌اند معنایش این است که این اموال را در راه معصیت صرف نکنید، صحیح نیست و با اطلاق آیه و سیاق آن نمی‌سازد» (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۷۲). عیاشی از حضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمود: نباید درو کردن و چیدن میوه در شب باشد، خداوند فرموده وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (حق فقرا را موقع جمع‌آوری محصول بدهید و اسراف نکنید خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد) و فرمود: مرد انصاری در موقع جمع‌آوری محصول خود

ذَلِكِ قَوْمًا /- فرقان: ۶۷- و آنان که چون هزینه می‌کنند اسراف نمی‌کنند و خست نمی‌ورزند؛ بلکه میان این دو، راه اعتدال را می‌گیرند.»

خداوند در آیات قبل این سوره، بحث جامع و جالبی درباره صفات ویژه بندگان خاص پروردگار که با عنوان «عباد الرحمن» آمده، مطرح می‌کند و یکی از دوازده صفت آنها میانه‌روی و عدم اسراف در انفاق است. مفسران در معنای اسراف و اقتار اختلاف دارند: «بعضی گفتند: اسراف نفقه در معصیت باشد و اگر چه اندک بود، و اقتار منع حق خدای تعالی باشد و این قول عبدالله عباس است و مجاهد و قتاده و ابن جریج و ابن زید. حسن بصری در این آیت: لم ینفقوا فی معاصی الله و لم یمسکوا عن فرائض الله، یعنی در معصیت خرج نکنند و از فرائض باز نگیرند. بعضی دگر گفتند: اسراف آن باشد که مال دیگران خورد بناحق. بعضی دگر گفتند که: اسراف آن باشد که از اندازه بگذرد در نفقه و اقتار آن باشد که تقصیر کند و این قول عامه مفسران است. و کَانَ بَیْنَ ذَلِكِ قَوْمًا، ای عدلاً وسطاً بین الاسراف و التَّقصیر، میان این و آن، نه این باشد نه آن باشد. زهری گفت: آن باشد که عیال را گرسنه و برهنه ندارد و چندان خرج نکند که مردمان گویند مسرف است. مقاتل گفت در این آیت: آنان باشند که کسب از حلال کنند و نفقه میانه کنند و تقدیم فضل کنند. یزید بن ابی حبیب وصف اصحاب رسول کرد و گفت: ایشان به لذت و شهوت نخوردند، جامه برای جمال نپوشند، از طعام به سد جوع قناعت کنند، چندان که ایشان را قوت دهد بر عبادت و از لباس چندان که عورت پوش باشد و سرما و گرما باز دارد. بعضی صحابه گفتند: اسراف مرد آن باشد که هر چه آرزو دارد بخرد و بخورد.» (مترجمان، ۱۳۷۷، ج ۸: ۴۷).

«امام صادق - علیه السلام - مثالی برای این موضوع زد و مشتی ریگ برداشت و سخت در مشتش خود گرفت و گفت: این «اقتار خست» است - که خدای عزوجل آن را در کتاب خود ذکر کرده است - آن گاه مشتی دیگر ریگ برداشت و مشتش خود را چنان آزاد گرفت که تمام آن بریخت. آن گاه گفت: این اسراف و زیاده‌روی است. سپس مشتی دیگر برداشت و مقداری از آن را ریخت و مقداری را نگاهداشت و گفت این است قوام و اعتدال و میانه روی» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۵۰).

بیشتر آن‌ها را تصدق می‌داد و خود و عیالانش معطل و بی‌چیزی باقی می‌ماند خداوند این گونه عمل را نهی فرموده که اسراف است (مترجمان، ۱۳۷۷، ج ۳: ۲۶۲).

ب) «یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَ کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ - اعراف: ۳۱»

این آیه شامل سه امر و یک نهی است که همه متفرع بر قصه آدم می‌باشد، اول اخذ زینت در هر معبد عبادت است، دوم و سوم امر به خوردن و آشامیدن که بر انسان مباح و متفرع بر فَکَلًا مِنْ حَیْثُ شِئْتُمَا می‌باشد، چهارم نهی از اسراف و اتلاف است. اسراف از آن رو ناپسند است، إِنَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ - که خدا اسرافکاران را دوست نمی‌دارد. اسراف گاهی تجاوز از حدود شریعت است. کسی که گوشت خوک می‌خورد یا شراب می‌نوشد، اسرافکار است و خدا او را دوست ندارد، زیرا برای او روزی حلال به فراوانی فراهم کرده و دیگر نیازی به حرامش نیست. گاه اسراف به تجاوز از حدود عرف عام است، مثلاً کسی خانه‌ای بسازد و صدها میلیون تومان در آن خرج کند، در حالی که با صرف مبلغ کمتری می‌توانست برای خود مسکن و مأوای راحتی تهیه کند. یا اتومبیلی را به ده‌ها میلیون تومان بخرد و حال آن که با خرید اتومبیلی به بهای مناسب او را بسنده می‌بود. اسراف به موقعیت‌های اجتماعی یا حتی به موقعیت‌های شخصی مربوط می‌شود. فقری که بیش از چند تومان ندارد و آن را به خرید - مثلاً - عطر و ادکلن اختصاص می‌دهد، در حالی که زن و فرزندش نان بر سفره ندارند آدم اسرافکاری است، در حالی که اگر شخص توانگری چنین کند، اسراف به حساب نمی‌آید. دولت‌های فقیری که به تقلید دول ثروتمند فرودگاه‌های عظیم احداث می‌کنند یا میدان‌ها و استادیوم‌های ورزشی و یا سفارتخانه‌های فخیم می‌سازند، در حالی که هنوز برای کودکان خود مدرسه‌ای مناسب ندارند، در زمره اسرافکاران هستند و حال آن‌که ساختن این بناها و احداث این تأسیسات برای دول ثروتمند اسراف به حساب نمی‌آید (الفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۲۸).

## ۲. محرومیت انسان از رسیدن به مقام بندگی خداوند

اسراف نمودن در انفاق، موجب محرومیت انسان از رسیدن به مقام بندگی خداوند می‌شود، همچنان که قرآن در این باره می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ یُسْرِفُوا وَلَمْ یَقْتَرُوا وَ کَانَ بَیْنَ

### ۳. محرومیت از هدایت الهی

هدف نهایی از خلقت انسان رسیدن به کمال و قرب الهی است و در این راه، خداوند همواره درهای رحمتش را به روی بندگان گشوده و با ارسال رُسُل و انزال کُتُب، زمینه رسیدن به این هدف را فراهم کرده است؛ اما گاه عواملی باعث می‌شود که انسان در مسیر قرار نگرفته و از هدایت الهی محروم بماند. یکی از این عوامل که باعث محرومیت انسان از هدایت الهی می‌شود اسراف و تبذیر است. قرآن کریم اسراف و انکار رسالت و ادعای دروغین نبوت را در پی دارنده محرومیت از هدایت الهی می‌داند:

الف) «وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَ تَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدْكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ -/ غافر: ۲۸»

این جمله معنایش این است که: اگر موسی در ادعای خود دروغگو باشد، همان دروغ خودش برایش بس است و اگر راستگو باشد، آن وقت به فرضی که همه عذاب‌هایی که وعده‌اش را داده به شما نرسد، حداقل مقداری از آن به شما خواهد رسید، چون در این فرض شما مُسْرِف و متجاوز هستید که پا از گلیم خود فراتر نهاده‌اید و نیز کذاب هستید، چون ربوبیت پروردگار خود را انکار کرده، اربابی دیگر به جای خدا اتخاذ نموده‌اید و خدا کسی را که مُسْرِف و کذاب باشد هدایت نمی‌کند و اما بر فرضی که او دروغ بگوید، در آن صورت پروردگاری که معرفی می‌کند ربوبیت ندارد تا آنکه درباره هدایت کردنش و نکردنش گفتگو شود. از این بیان روشن می‌گردد، اینکه بعضی گفته‌اند: «جمله مزبور تعلیل هر دو فرض است و به هر دو جمله ارتباط دارد» حرف صحیحی نیست (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۲۵).

ب) «وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلِ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زُلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قَلْتُمْ لَنْ نَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ -/ غافر: ۳۴»

سنت خداوند آن است که کسانی را که در مخالفت با حق پافشاری می‌کنند به حال خود رهايشان کند. کسی که راه انبیا را نپذیرد و حرکت نکند، استعدادها و لیاقت‌ها و الطافی را که حق دریافت داشته به هدر داده است. سقوط انسان مرحله‌ای

است: در یک مرحله تشکیک می‌کند، «مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ» ولی در مرحله دیگر تکذیب. «مُسْرِفٌ كَذَّابٌ فیض خداوند عام است، این افرادند که به خاطر روحیات و عملکرد بد، خود را محروم می‌کنند (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۱: ۸۱).

### ۴. ترس

خوی اسرافگری باعث خفقان و ترس علیه مؤمنان می‌شود، چنان‌که قرآن کریم خوی اسراف‌گری و ستمگری فرعون را باعث ایجاد خفقان و ترس علیه مؤمنان بنی‌اسرائیل می‌داند:

«فَمَا أَمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِمْ أَنْ يُفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ / یونس: ۸۳»

اکثر اوقاف موضوع اسراف در میان افراد ثروتمند و سران قوم و امراء پیدا می‌شود و بخاطر وسعت در زندگی از موازین اعتدال خارج شده و هم نظر به جلب افکار ضعفاء و فقراء باشد، تا به این وسیله بزرگی و علو مرتبه خودشان را نشان بدهند و از این لحاظ است که در این مورد نیز پس از جمله- «وَ إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ، فرمود: «وَ إِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۱: ۳۴). «عَلَىٰ خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِمْ» یعنی آنان درحالی که از خشم و آزار فرعون و بزرگان‌شان بیمناک بودند به موسی ایمان آوردند. «أَنْ يُفْتِنَهُمْ» بیمناک بودند که آنان را از دین باز گردانند، یعنی آنها را بمحنتی دچار سازند که طاعت صبر بر آن را نداشته باشند و همین سبب بیرون رفتنشان از دین گردد و این به آن جهت بود که لشکریان فرعون بنی‌اسرائیل را شکنجه و آزار می‌کردند و ترس اینان از همان شکنجه و آزار لشکریان فرعون بود. «وَ إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ» یعنی فرعون در سرزمین مصر و اطراف آن گردنکش و طغیان‌گر و سرکش بود. «وَ إِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ» و از کسانی بود که در عصیان و نافرمانی از حد تجاوز کرده بود، زیرا ادعای خدایی کرد، و در آدم‌کشی و ظلم نیز از حد گذرانده بود و اسراف نیز همان تجاوز و گذشتن از حد در هر چیز را گویند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴: ۱۲۶).

### ۵. درماندگی و سرزنش دیگران

یکی از وظایف هر مسلمانی، انفاق و بخشش به دیگران است که در آیات قرآن و روایات اسلامی به آن سفارش شده است، لکن زیاده‌روی در انفاق یا بخشیدن تمام اموال، باعث می‌شود انسان



نافرمانی و هتاک، زیرا باعث اغراء به جهل و معصیت، و از خداوند حکیم قبیح است (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۹: ۳۱) اسراف بر نفس، تجاوز بر نفس است، با ارتکاب گناهان و ترک واجبات به طوری که نفس را در معرض هلاکت قرار می‌دهد و آن عبارت اخرای قیام انسان بر علیه خود می‌باشد (کلینی رازی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۵۵).

#### ۷. کم برکتی

اسراف گناه کبیره‌ای است که مخالف تقوا و دستورات الهی است و باعث می‌شود برکت از زندگی و مال انسان رخت بریندد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ مَعَ الْإِسْرَافِ قَلْبَ الْبَرِّ كَه» (المجلسی، ۱۳۷۸، ج ۷۸: ۳۲۷) - همانا اسراف همراه با کاهش برکت است. و یا در روایتی حضرت امام کاظم (ع) می‌فرماید: «مَنْ بَدَّرَ وَ اسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ النَّعْمَةُ - هر که ریخت و پاش و اسراف کند نعمت از دستش می‌رود» (جعفری، ۱۳۸۰: ۴۰۳).

#### ۸. ورشکستگی

بسیاری از افراد بخاطر داشتن ثروت زیاد دست به ولخرجی و ریخت و پاش می‌زنند غافل از اینکه همین امر باعث مُفلسی و بینوایی آنها می‌شود. تجربه ثابت کرده اگر این اسراف و ولخرجی از حد اعتدال و میانه‌روی تجاوز نماید و مُسْرِف به ریخت و پاش خود مغرورانه افتخار کند، طولی نمی‌کشد که استخوان‌های او زیر ضربات سهمگین ورشکستگی مالی خورده شده و به خاک مذلت کشیده می‌شود. حضرت علی (ع) فرمودند: «مَنْ افْتَحَرَ بالتبذیر احتقر بالافلاس» (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۶۵۰) - هر کس به ریخت و پاش افتخار کند با تهیدستی (ورشکستگی) کوچک می‌شود.

#### ۹. فقر

از بارزترین آثار اقتصادی اسراف و ولخرجی، فقر است، چرا که شخص مُسْرِف در اثر مصرف ناصحیح، هم خودش را و هم جامعه‌اش را به فقر می‌کشاند؛ چنین فردی امکانات بیشتری را صرف هوسبازی خودش می‌کند، در نتیجه به تهیدستی و شکست اقتصادی منجر می‌شود.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «سَبَبُ الْفَقْرِ الْإِسْرَافُ» (کلینی رازی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۵۳) - اسراف سبب فقر است و یا امام صادق (ع) به عبید فرمودند: «یا عبید ان السرف یورث الفقر و ان القصد یورث الغنی» - ای عبید اسراف باعث فقر می‌شود و میانه‌روی

درمانده شود و مورد سرزنش دیگران واقع شود، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا / اسراء: ۲۹» - دستت را بگردنت نبند و از کسانی نباش که به کلی اهل بذل و بخشش نیستند. این جمله به‌طور مبالغه‌آمیزی از بخل و تنگ‌چشمی نهی می‌کند.

روایت شده است که: زنی پسرش را نزد پیامبر گرامی فرستاد و گفت به پیامبر عرض کن: مادرم به زهری احتیاج دارد. اگر گفت: صبر کنید تا برسد، بگو: مادرم به پیراهنت، احتیاج دارد. پسر نزد پیامبر گرامی آمد و پیام مادر را ابلاغ کرد. حضرتش جامه را از تن بیرون آورد و به او داد. از این‌رو این آیه، نازل شد. گفته‌اند: بر اثر این بخشش، در خانه نشست و برای نماز بیرون نیامد، زیرا جامه‌ای نداشت که بپوشد، از این‌رو کُفَّار او را ملامت کرده، گفتند: محمد، خوابش برده و مشغول لهو و لعب است و نماز را ترک کرده است (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۱: ۲۵).

#### ۶. زمینه‌سازی ناامیدی از رحمت الهی

یکی از آثار اسراف در گناه و ستم به خویشتن، زمینه‌سازی ناامیدی از رحمت الهی می‌باشد، همان گناهی که در اسلام به‌عنوان گناه کبیره شمرده شده است. خداوند می‌فرماید:

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ ... / زمر: ۵۳»

در این آیه خداوند، حضرت رسول (ص) را دستور می‌دهد تا مردم کافر را از طرف خداوند و با لفظ «یا عبادی» - ای بندگان من - صدا بزند و این تعبیر نکته‌ای را هم به یادشان می‌آورد و آن این است که چرا خدا کفار را به عبادت خود دعوت می‌کند و نیز ترغیب آنان به پذیرفتن دعوت است؛ اما یادآوری دلیل دعوت برای این است که یادآوری کند که ایشان عبد اویند و او مولای ایشان است و حق مولی بر عبدش این است که او را عبادت کند و اوامرش را اطاعت کند، پس مولی حق دارد که او را به اطاعت و عبادت خود دعوت کند.

آیه درباره اشخاصی است که معصیت کرده باشند و به وسوس شیطانی شبهه ناامیدی در آنها خلجان نماید و حق تعالی امیدواری تام به آنها فرماید که مایوس نشوند و توبه نمایند، نه آنکه به شنیدن این آیه اشخاص مغرور گشته اسراف نمایند، در

اجابت کند، اما گاه به خاطر اسبابی اجابت دعاها به تأخیر افتاده یا مستجاب نمی‌شود. یکی از عوامل عدم استجاب دعا، اسراف و تبذیر است. مسرف چون با سوء اختیار خود گرفتار این بیماری شده و به تنگدستی افتاده است، اگر از خدا بخواهد تا از مخمصه فقر نجاتش دهد، دعایش مستجاب نخواهد شد.

پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) می‌فرماید:

«دعای چند گروه از امت من مستجاب نشود: کسی که بر پدر و مادرش نفرین کند و مردی که بر بدهکاری نفرین کند که مالش را خورده و او هیچ شهادی بر آن بدهی نگرفته است و نفرین شوهر بر زن، با اینکه خداوند اختیار طلاق زن را به دست او سپرده است و مردی که در خانه نشسته و بگوید: پروردگارا! روزیم فرما. بی‌آنکه در پی روزی قدمی بردارد، پس خداوند (در جواب چنین بنده‌ای) می‌فرماید: ای بنده من، مگر راه به دست آوردن روزی و سفر را - به کمک اعضای سالم - برایت هموار نساختم که در پرتو پیروی از دستورات من در تحصیل روزی دارای عذری باشی و بدون خانواده‌ات هم نباشی، تا اگر خواهم روزیت دهم و اگر نخواهم بر تو سخت گیرم، در این دو حال تو در نزد من معذوری و مردی که خداوند مال و ثروتی بسیار به او بدهد و وی همه را خرج کند، سپس رو به دعا نموده و بگوید: «پروردگارا! روزیم ده» و خداوند در جواب می‌فرماید: «آیا روزی بسیار به تو ندادم، چرا در میانه روزی و عدم اسراف - با اینکه تو را از آن منع کرده بودم - به دستورم عمل نکردی و مردی که در قطع رحم و خویشاوندی دعا می‌کند» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۱۰).

#### ۱۲. همجنس بازی

با بررسی در آیات قرآن می‌توان فهمید که زیاده‌روی در شهوترانی نابجا، زمینه‌ساز گرایش به لواط در میان قوم حضرت لوط بوده است، بنابراین یکی از آثار اجتماعی اسراف همجنس بازی می‌باشد؛ قرآن در این باره می‌فرماید:

«إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ / اعراف: ۸۱» - شما شهوت خود را به وسیله مردان فرو می‌نشانید و از هم بستر شدن با زنان که خداوند برای شما حلال کرده است، خودداری می‌کنید؛ بلکه شما مردمی هستید مسرف و متجاوز و ستمکار و فاسد و همه عیب‌ها را در خود گرد آورده‌اید.

موجب بی‌نیازی می‌گردد (احمدیان، ۱۳۸۵: ۳۹۳)؛ اما میانه‌روی و اعتدال باعث می‌شود که انسان فقیر نشود، همانطور که پیامبر (ص) می‌فرماید: «ما عال من اقتصد - هر که در خرج زندگی از میانه رود فقیر نمی‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۳۵۶).

انسانی که ولخرجی می‌کند همیشه که نمی‌تواند ولخرجی نماید. مثل این افراد به انسان‌هایی می‌ماند که از پله تند تند بالا می‌روند، بالاخره وقتی از دو طبقه تند می‌روند، در طبقه سوم از حرکت باز می‌ایستند و امکان حرکت به بالا وجود ندارد. بنابراین درآمد زندگی به سان چشمه آبی است که در بستر رودی به جریان افتد، این آب اگر مهار نشود، به هدر می‌رود، ولی اگر در جای مناسبی سد زده شود و با محاسبه دقیق، مقدار ورودی آن تعیین و بر همان اساس راه‌های خروجی اندازه‌گیری شود نه تنها آبی به هدر نمی‌رود؛ بلکه می‌توان از آن با برنامه‌ریزی صحیح استفاده خوبی برد و مقدار زیادی نیز ذخیره خواهد شد.

#### ۱۰. هلاکت و نابودی

اسراف و زیاده‌روی جامعه را به سوی رفاه‌زدگی و تجمل‌پرستی و رقابت منفی سوق می‌دهد و در نتیجه این عوامل باعث سقوط یک جامعه است و سبب می‌شود که جامعه روز به روز از ارزش‌های معنوی و اخلاقی فاصله گرفته و به نابودی و هلاکت کشانده شود. اسراف از هر نوعی که باشد انسان را به ورطه نابودی سوق می‌دهد، به خصوص افرادی که با انکار آیات الهی و تکذیب پیامبران درباره خویش و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، اسراف کنند.

قرآن کریم می‌فرماید: «ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ / انبیاء: ۹» - سپس وعده خود را به آنان راست گردانیدیم و آنها و هر که را خواستیم نجات دادیم و افراط‌کاران را به هلاکت رساندیم. خداوند در این آیه، سرانجام ارسال رسولان و عاقبت امر مسرفان را بیان می‌کند که مسرفان از هر امت، در اثر اقتراح معجزه به چه سرنوشتی دچار شدند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص: ۶۵۱) و نیز حضرت علی (ع) می‌فرماید: «كَثْرَةُ السَّرْفِ تَدْمَرُ - اسراف کاری زیاد، انسان را به هلاکت می‌کشاند» (جعفری، ۱۳۸۰: ۳۲۹).

#### ۱۱. عدم استجاب دعا

خداوند متعال دستور به خواندن دعا می‌دهد تا خود، دعاها را

کسی که راه طبیعی و فطری را کنار بگذارد، مسرف است. ارضای شهوت از غیر راه طبیعی، اسراف است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۲۳۳). اتیان الرجال» به قرینه کلمه «شهوه» و همچنین به قرینه «مِنْ دُونِ النَّسَاءِ» کنایه است از عمل نامشروع با مردان، و این دو قرینه، علاوه بر اینکه «اتیان الرجال» را معنا می‌کند، این معنا را نیز می‌رساند که قوم لوط عمل زناشویی با زنان را ترک گفته و به مردان اکتفاء می‌کردند و این عمل را از آنجایی که تجاوز و انحراف از قانون فطرت است، «اسراف» نامیده و فرموده: «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ». جمله مورد بحث جمله‌ای است استفهامی و تقدیر آن «ء انکم» است، از آنجایی که عمل مزبور، فاحشه بی‌سابقه‌ای بوده از در تعجب و استبعاد می‌پرسد: «آیا شما چنین کاری را مرتکب می‌شوید؟» (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۰).

#### ۱۳. مانع پیروزی مجاهدان در راه خدا

یکی از آثار اجتماعی اسراف و تجاوز از حد، مانع پیروزی مجاهدان در راه خدا می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَ تَبَتُّ أقدامنا وَ انصُرنا على القوم الكافرين / آل عمران: ۱۴۷».

این دعا نشان می‌دهد که آنها شکست را از دو جهت می‌دانستند یکی گناهان گذشته، دیگری سهل‌انگاری و تعدی در پیشبرد وضع میدان جنگ. بنابراین پس از شکست، اول آموزش گناهان را خواسته‌اند، دوم مغفرت خطاکاری و عدم استقامت در میدان را اِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا همان است. اتفاقاً شکست میدان «احد» نیز دو وجه داشت: یکی گناهان گذشته در آیات ۱۳۰-۱۳۵: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا» دیگری خالی گذاشتن سنگر کوه «عینین» از طرف تیراندازان. به هر حال: این دعا پی بردن به علل شکست و استمداد از مقام ربوبیت در جبران آن است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۲۸). پس در هر مبارزه دینی و الهی: اول باید خود آلوده به معاصی و غوطه‌ور در اعمال خلاف رضای او نبوده و پرونده سوء او تصفیه و تطهیر گردد. دوم از حدود و حقوق محدود خود خارج نشده و غرق در تمایلات دنیوی نگشته و حقوق فقراء و ضعفاء و دیگران را محترم بشمارد و بداند که متاع دنیا بسیار محدود است و کسی که بیش از محدوده لازم خود می‌خواهد از آن استفاده کند: قهراً به حدود دیگران تجاوز

خواهد کرد.

#### ۱۴. تزئین اعمال زشت

خوی اسراف و تجاوز از حد، زمینه‌ساز تزئین اعمال زشت، نزد مسرفان می‌باشد چنانکه قرآن می‌فرماید: «وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ / یونس: ۱۱».

اسرافگران و منکرین معاد علت انکارشان این است که شیطان اعمال زشت آنان را در نظر آنان زینت داده، در نتیجه دل‌های‌شان به‌سوی آن اعمال کشیده شد، به‌طوری که جایی برای یاد خدا در آن نماند، و قهراً خدا از یادشان رفت و با اینکه خدای تعالی با فرستادن رسولان پیشین و با معجزاتی روشن مقام خود را به آنان یادآوری کرد و توجهشان داد به اینکه اقوام پیشین را به جرم اینکه ایمان نیاوردند و به جرم اینکه ظلم کردند هلاکشان ساخت، با وجود این ایمان نیاوردند و این سنتی است از خدای تعالی که مردم مجرم را این طور جزاء می‌دهد (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۹۰).

آنان که خدا را فراموش کنند، زندگی مادی در نظرشان زیبا جلوه می‌کند. «زَيْنَ لِلْمُسْرِفِينَ» فراموش کردن الطاف خداوند، نوعی اسراف است. «مَرَّ...» «لِلْمُسْرِفِينَ» هر کس در رفاه، غافل و در گرفتاری دعا کند، مسرف است (قرآنی، ۱۳۸۳).

#### نتیجه‌گیری

نتیجه اینکه اسراف و تبذیر بلای خانمان‌سوزی است که فرد و جامعه را دچار اضمحلال و نابودی می‌کند، بنابراین باید از آن پرهیز کرد.

#### منابع

- ابوالفتح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- احمدیان، ابراهیم. (۱۳۸۵). نهج الفصاحه، قم: گلستان ادب، چاپ اول.
- بروجردی، سیدمحمدابراهیم. (۱۳۶۶). تفسیر جامع، تهران: انتشارات صدر، چاپ ششم.
- جعفری، بهزاد. (۱۳۸۰). ترجمه تحف العقول، تهران: اسلامیه، چاپ اول.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. (۱۳۶۶). تفسیر اثنا عشری، تهران: میقات، چاپ اول.
- راغب اصفهانی. (۱۳۷۶). ترجمه مفردات الفاظ قرآن یا تفسیر لغوی و ادبی قرآن،



- مترجم: سیدغلامرضا خسروی حسینی، قم: دارالعلم، چاپ دوم.  
- شیخ الاسلامی، سیدحسین. (۱۳۷۵). گفتار امیرالمؤمنین علی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم.  
- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن. (۱۳۶۰). ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق رضا ستوده، تهران: فراهانی، چاپ اول.  
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.  
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۵ ش). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم.  
- قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۷). تفسیر أحسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، چاپ سوم.  
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.  
- کلینی رازی. (۱۳۶۲). الکافی موسوعه روایات، تهران: اسلامیه، چاپ دوم.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۷۴ هـ ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.  
- مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰). تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب.  
- محدث عاملی. (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: آل البیت، چاپ اول.  
- المجلسی، محمدباقر. (۱۳۷۸). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، تهران: اسلامیه.  
- مترجمان. (۱۳۷۷). تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.  
شاهرود - خیابان فردوسی کوچه شهید مصطفایی آموزشکده فنی و حرفه‌ای سما ریاست آموزشکده. ۰۲۷۳۲۲۷۴۲۵-۰۹۱۲۳۷۳۳۸۱۷

